

پودمان ۱

کاربرد روان‌شناسی در آموزش و پرورش کودک



جان خود را می‌ندانی ای ظلوم
قیمت خود را ندانی؛ ابله‌ی ست
که بدانم من کی‌ام روی زمین
«مولوی»

صد هزاران فضل دانی از علوم
قیمت هر کاله می‌دانی که چیست
جان جمله علم‌ها این است این

هدف توانمندسازی ۱-۱: علم روان‌شناسی و موضوع آن را بررسی کند.

آن شناسد مر خدای خویش را کاو شناسد نفس و جای خویش را



شکل ۱- علم روان‌شناسی

روان‌شناسی

گفت‌وگو
کنید



فعالیت ۱:

- چرا گاهی هنگام نگاه کردن به یک فیلم، تمرکز خود را از دست می‌دهیم؟
- چرا به هنگام صحبت در جمع خجالت می‌کشیم؟
- چرا مطالعه با فاصله زمانی، بهتر از مطالعه بدون فاصله زمانی است؟
- تماشای برنامه‌های محیط‌زیست در رسانه‌ها چه تأثیری بر کنترل و حفظ آن توسط کودکان دارد؟
- به نظر شما، پاسخ علمی به پرسش‌های بالا، در قلمرو کدام علم می‌گنجد؟

با توجه به متفاوت بودن پاسخ‌ها در فعالیت بالا، علم روان‌شناسی به دنبال پاسخ به این مسائل است. امروزه، با وجود تغییرات بنیادی در ارزش‌ها و تعاریف، «روح و روان» به مانند گذشته، همچنان اهمیت خود را حفظ کرده است و کمتر کسی را می‌توان سراغ داشت که از «علم روان‌شناسی» بی‌نیاز باشد. این علم با همه جوانب زندگی ما در ارتباط است. شیوه‌های تعامل والدین با فرزندان، شیوه‌های فرزندپروری، درمان مشکلات روانی و خانوادگی، گزینش افراد مناسب برای یک کار، تعلیم و تربیت دانش‌آموزان استثنایی و ... همه نمونه‌هایی از مسائل مربوط به روان‌شناسی است (شکل ۱).

«ویلهلم وونت»^۱ بنیان‌گذار و پدر روان‌شناسی در سال ۱۸۷۹ میلادی اولین آزمایشگاه روان‌شناسی را رسماً در دانشگاه «لایپزیک» آلمان تأسیس کرد.

۱- ویلهلم وونت (Wilhelm Wundt) پدر روان‌شناسی علمی

بودمان اول: کاربرد روان‌شناسی در آموزش و پرورش کودک

تعریف روان‌شناسی! جامع‌ترین تعریف روان‌شناسی عبارت است از «علم مطالعه رفتار و فرایندهای ذهنی» منظور از «رفتار» در روان‌شناسی، آن دسته از فعالیت‌های جاندار است که به وسیله جاندار دیگر یا با دستگاه‌های آزمایشگاهی قابل مشاهده و اندازه‌گیری باشد. لانه‌سازی برخی حیوانات، راه رفتن انسان‌ها و بسیاری حرکات دیگر نمونه‌هایی از رفتار است. منظور از «فرایندهای ذهنی» آن دسته از فعالیت‌های جاندار است که قابل مشاهده مستقیم نیست، ولی می‌توان آنها را از تأثیرشان در رفتار فرد استنباط کرد، مانند افکار، احساسات و انگیزه‌هایی که ما انسان‌ها در درونمان داریم.

نکته

علم روان‌شناسی مفاهیمی همچون ادراک، شناخت، تمرکز، توجه، احساسات، پدیده‌شناسی، انگیزه، کارکرد ذهن، شخصیت، رفتار، روابط بین فردی، خانواده و دیگر زمینه‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد.



هدف توانمندسازی ۲-۱: رشته‌های روان‌شناسی را با هم مقایسه کند.

رشته‌های روان‌شناسی

فعالیت ۲: مربی برای آموزش و پرورش کودکان پیش از دبستان به چه نوع دانشی نیاز دارد؟ در مورد اهمیت آن گفت‌وگو کنید.

گفت‌وگو کنید



در این مبحث از بین رشته‌های گوناگون روان‌شناسی، چند رشته رایج آنها به اختصار معرفی می‌شود:

۱ روان‌شناسی کودک: این شاخه از روان‌شناسی، رفتار کودک را از مرحله جنینی تا آغاز دوره بلوغ و نوجوانی بررسی می‌کند و به رشد و تحول بدنی، عاطفی، اجتماعی، اخلاقی و عقلی کودکان می‌پردازد (شکل ۲).



شکل ۲- روان‌شناسی کودک

۲ روان‌شناسی کودکان استثنایی: این رشته به مطالعه ویژگی‌های جسمی، روانی، حسی، حرکتی، شناختی و اجتماعی کودکان عقب مانده ذهنی، نابینا و نیمه نابینا، ناشنوا و نیمه ناشنوا، ناسازگار، مبتلا به بیماری صرع، کودکان معلول جسمی - حرکتی، دانش‌آموزان مبتلا به اختلال خاص در یادگیری و کودکان و نوجوانان تیزهوش و خلاق می‌پردازد. این شاخه روان‌شناسی همچنین در زمینه علل مختلف معلولیت، راه‌های پیشگیری از معلولیت و اصلاح و ترمیم نارسایی‌ها و اختلالات رفتاری مباحثی را مطرح می‌کند (شکل ۳).



شکل ۳- کودکان استثنایی

۲ روان‌شناسی اجتماعی: این رشته، درباره ویژگی‌های روانی گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی از جنبه‌های گوناگون، بحث می‌کند و اثر متقابل فرد بر جامعه یا جامعه بر فرد را بررسی می‌نماید و چگونگی پیدایش دسته‌های اجتماعی را، که محصول رفتار جامعه بشری است، مطالعه می‌کند.

۴ روان‌شناسی تربیتی: این رشته، کوشش می‌کند اصول و قوانین روان‌شناسی را در آموزش و پرورش به کار برد. در این رشته، به هدف‌های تربیتی از دیدگاه‌های گوناگون (علل تفاوت‌ها، نقش عوامل ارثی و محیطی در تربیت افراد، چگونگی یادگیری، اندیشیدن و سنجش آنها) توجه می‌شود. روان‌شناسی تربیتی، از نظر ایجاد انضباط و عادت‌های پسندیده در کودکان و نوجوانان برای مربیان و والدین بسیار کارساز است.

۵ روان‌شناسی بالینی: این رشته از روان‌شناسی به بررسی و تشخیص آسیب‌های روانی و رفتارهای نابهنجار و درمان آنها می‌پردازد.

در این حوزه از روان‌شناسی از تشخیص، طبقه‌بندی و درمان مشکلات هیجانی و روانی از قبیل؛ اضطراب، افسردگی، اسکیزوفرنی، اعتیاد و... صحبت می‌شود و فعالیت‌شان بیشتر در مراکز درمانی است. این روان‌شناسان برای درمان از روش‌های غیردارویی استفاده می‌کنند و تجویز دارو برای مشکلات روانی در حوزه و صلاحیت کاری روان‌پزشک است.

۶ روان‌شناسی شخصیت: این رشته از روان‌شناسی به مطالعه سازمان ادراکی، هیجانی، آزادی و بدنی افراد می‌پردازد و به چگونگی سازگاری فرد با خود و محیط توجه دارد. این رشته، با روان‌شناسی بالینی و مرضی و اجتماعی ارتباط نزدیک دارد.

روان‌شناسی شخصیت، ضمن تعریف ویژگی‌ها و صفات انسان و عوامل مؤثر بر فرایندهای تفکر، هیجان و رفتار بهنجار و نابهنجار را تعیین می‌کند. موضوع روان‌شناسی شخصیت «تفاوت‌های فردی» است؛ موضوعی که حتی در میان دوقلوها هم صادق است.

۷ روان‌شناسی صنعتی: این رشته، به موضوعات مربوط به سازگاری فرد با کار، انطباق خصوصیات کاری با افراد، نحوه انتخاب افراد برای مشاغل، گروه‌های کاری در صنعت، دیدگاه‌های مردم درباره چگونگی مصنوعات و مانند آنها، می‌پردازد.

۸ روان‌شناسی مرضی: در این شاخه از روان‌شناسی اختلالات عاطفی و رفتاری و بیماری‌های مختلف روانی مورد بررسی قرار می‌گیرد و روش‌های درمانی متداول در جهت حفظ بهداشت روانی ارائه می‌شود.

۹ روان‌شناسی ورزش: این رشته به مطالعه ابعاد رفتاری، عاطفی و شناختی موقعیت‌های ورزشی و استفاده از اصول روان‌شناسی، به منظور بهینه‌سازی عملکرد و سلامت قهرمانان ورزشی و ورزشکاران، می‌پردازد.

۱۰ روان‌شناسی مشاوره: در این شاخه روان‌شناسان همان کاری را انجام می‌دهند که در روان‌شناسی بالینی انجام می‌شود. با این تفاوت که آنها با کسانی سروکار دارند که به روان‌درمانی نیاز ندارند. روان‌شناسان مشاور به افرادی کمک می‌کنند که در رفتارهای خود اختلال ندارند، اما در زندگی خود با مشکلاتی مواجه‌اند. تشخیص و درمان مسائلی نظیر مشکلات تحصیلی، شغلی، اختلافات خانوادگی، تعارضات زناشویی در حوزه کاری آنان قرار می‌گیرد. روان‌شناسان مشاور، اغلب در مدارس، دانشگاه‌ها و مؤسسات حضور دارند.

امروزه، رشته‌های تخصصی روان‌شناسی رو به گسترش است. از جمله روان‌شناسی تبلیغات، روان‌شناسی تجربی، روان‌شناسی فیزیولوژیک، روان‌شناسی پیری، روان‌شناسی انگیزه‌ها و هیجان‌ها، روان‌شناسی حیوانی و

نکته



فعالیت ۳: از خدمات رشته روان‌شناسی تربیتی در هنرستان خود گزارشی تهیه کنید و در کلاس ارائه دهید.

گزارش
تهیه کنید



هدف توانمندسازی ۳-۱: ضرورت و اهمیت روان‌شناسی کودک را بررسی کند.

ضرورت و اهمیت روان‌شناسی کودک

امام صادق علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده‌اند: خداوند آن کس را که به فرزندش خیر رساند، می‌آمرزد.

فعالیت ۴: چرا یک مربی باید اطلاعات کاملی درباره آموزش و پرورش کودکان کسب کند؟ در مورد دلایل آن گفت‌وگو کنید.

گفت‌وگو کنید



یکی از مهم‌ترین تحولات روان‌شناسی این است که اندیشمندان به اهمیت دوران کودکی پی بردند و کودک را نه به‌عنوان فردی دارای ویژگی‌ها و خصوصیات بزرگسالان، بلکه کودکی که در این دوران واقعاً «کودک» است و دارای مجموعه‌ای از صفات و خصائص منحصر به کودکی است، شناختند. دوران کودکی دوران کشف دنیای تازه برای کودک است و از نظر روان‌شناسان یکی از دوره‌های بحرانی رشد است. محققان در مطالعات روان‌شناسی کودک به این نتایج رسیده‌اند:

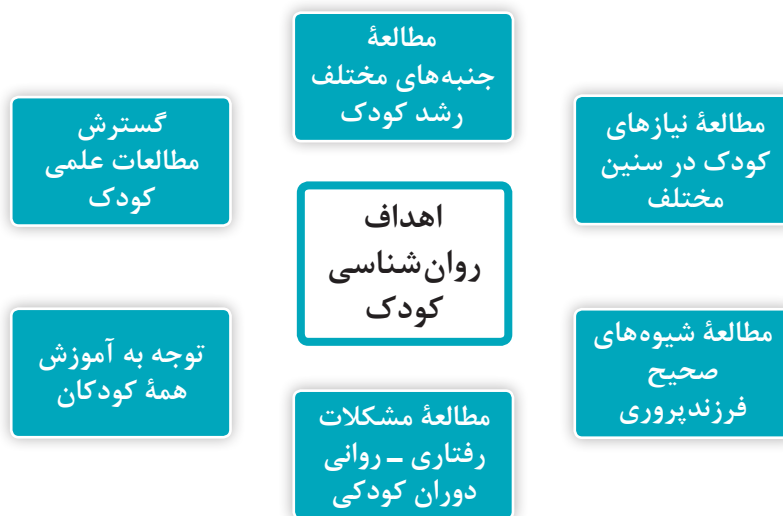
- سال‌های اولیه کودکی نقش مهمی در پایه‌ریزی رشد و تحول کودکان دارد.
- در این دوران، یادگیری سریع‌تر و عمیق‌تر صورت می‌گیرد.
- توجه هماهنگ و یکپارچه به همه جنبه‌های رشد کودک بسیار اهمیت دارد.
- کودکان در این دوره الگوپذیرند و از رفتارهای بزرگسالان تقلید می‌کنند.
- کودک از هر محرکی برای یادگیری بیشتر استفاده می‌کند و با سرعت زیاد رشد حسی - حرکتی خود را ادامه می‌دهد.
- در این دوره یادگیری و فرایندهای یادگیری مهم‌اند.
- ساختار روانی کودک ابتدا براساس احساس و ادراک است و باورها و شناخت‌های عمیق در او ایجاد نشده است.

بنابراین کودک در این دوره بسیار آسیب‌پذیر است و هر نوع رفتار فاقد ارزش تربیتی برای کودک موجب برهم‌خوردن تعادل عاطفی او در نوجوانی یا حتی در کودکی می‌شود. به همین دلایل مطالعه روان‌شناسی کودک برای مربیان کودکان پیش از دبستان، در جهت آموزش و پرورش صحیح و توجه به رشد همه‌جانبه کودک، لازم و ضروری است.

هدف توانمندسازی ۴-۱: فهرستی از اهداف روان‌شناسی کودک را تهیه کند.

اهداف روان‌شناسی کودک

روان‌شناسی کودک، به‌عنوان یکی از زیرمجموعه‌های «روان‌شناسی رشد» با هدف نگاه دقیق و علمی به کودک و نیازهای او و یافتن شیوه‌های صحیح پرورشی و آموزشی کودک، از اولین سال‌های تأسیس روان‌شناسی علمی مورد توجه بوده است. هدف روان‌شناسی کودک مطالعه موضوعات زیر و ارائه راهکار است:



نمودار ۱- اهداف روان‌شناسی کودک

■ **مطالعه جنبه‌های مختلف رشد کودک:** رشد یک فرایند چند بُعدی است که شامل رشد جسمی - حرکتی، کلامی، شناختی، عاطفی، اجتماعی و اخلاقی^۱ است. توجه به مطالعه درباره تمام این جنبه‌ها یکی از اهداف روان‌شناسی رشد است که آگاهی و شناخت متعادل و چند بُعدی در مورد کودک را در پی دارد و والدین و سایر افراد مرتبط با کودک را نیز در درک و رفتار صحیح با او، کمک می‌کند.

■ **مطالعه نیازهای کودک در سنین مختلف:** کودکان نیازهای متعددی دارند و در سنین مختلف یک یا چند مورد، در مقایسه با سایر نیازها، در اولویت است. برای مثال، در مرحله شیرخوارگی، نیازهای جسمانی بیشتر در اولویت قرار دارد. در حالی که در دوران نوجوانی (سنین بعد از دوازده سالگی) نیاز به رشد اجتماعی و عاطفی در اولویت است.

■ **مطالعه شیوه‌های صحیح فرزندپروری:** شیوه‌های صحیح فرزندپروری و نیز نحوه تعامل و روابط مناسب با فرزندان از مهم‌ترین موضوعات برای روان‌شناسان کودک است. بیشتر پدر و مادرها فرزندپروری را کاری ساده تلقی می‌کنند و بر این باورند که هر کسی می‌تواند از عهده این امر برآید. اما فرزندپروری نیاز به آگاهی و

۱- برای اطلاع بیشتر به کتاب‌های تخصصی رشته تربیت کودک پایه‌های ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ مراجعه کنید.

آشنایی با نحوه عملکرد و اصول آن دارد و یافته‌های تحقیقات در حوزه روان‌شناسی کودک، اصول و روش‌های متعددی را متناسب با سنین مختلف نشان می‌دهند.

■ **مطالعه روش‌های مواجهه با مشکلات رفتاری – روانی دوران کودکی:** کودکان نیز همچون بزرگسالان دچار آشفتگی‌های روانی – رفتاری می‌شوند و این مسئله باعث تحقیقات و مطالعات دامنه‌داری در زمینه انواع این آشفتگی‌ها و تفاوت آنها با آشفتگی‌های رفتاری – روانی بزرگسالان و همچنین شیوه‌های درمانی این آشفتگی‌ها شده است. برخی از این اختلالات و آشفتگی‌های رفتاری – روانی کودکان عبارت‌اند از: اُتسم^۱، اختلالات یادگیری، اختلالات توجه، اختلالات دفعی، اختلالات اضطرابی مانند ناخن جویدن و

■ **توجه به آموزش همه کودکان:** روان‌شناسی کودک، راه را برای مطالعات بسیاری در زمینه کودک و شناخت او باز کرد. با ایجاد مراکز آموزش پیش از دبستان، کسانی که در مکان‌هایی مثل مهدکودک‌ها با کودکان برخورد داشتند مطالعاتی را انجام دادند و به تجربیات ارزشمندی دست یافتند و آنها را به دیگران منتقل نمودند (شکل ۴).

عده‌ای نیز زندگی خود را به مطالعه در زمینه کودکان دارای مشکل (مثل کم‌توان‌های ذهنی، محروم از پدر و مادر، معلولان و ...) اختصاص دادند و مدارس خاصی پدید آوردند. از جمله این افراد می‌توان به فروبل^۲ (کودکستان)، مونته‌سوری (مهد کودک و مدارس خاص) و ... اشاره کرد.

■ **گسترش مطالعات علمی کودک:** مطالعات در زمینه رشد ذهنی کودکان (ژان پیاژه)، رشد اجتماعی (اریکسون)، رشد اخلاقی (کلبرگ) و غیر آنها انجام گرفت. این افراد هر کدام تحولات بزرگی در نحوه نگاه به کودکان و نقش و جایگاه نهادها و مؤسسات تربیتی ایجاد کردند و بخصوص تربیت و آموزش را به شدت متحول ساختند.



شکل ۴ – آموزش کودکان

فعالیت ۵: با جست‌وجو در منابع علمی، درباره اهداف روان‌شناسی کودک گزارشی تهیه کنید و آن را در کلاس ارائه دهید.

جست‌وجو
کنید



۱- Otism

۲- Friedrich Frobel

هدف توانمندسازی ۵-۱: نیازهای کودکان را در سنین پیش از دبستان بررسی کند.

نیازهای کودکان در سنین پیش از دبستان

فعالیت ۶: به نظر شما کودکان برای رشد طبیعی همه‌جانبه^۱ و سالم به چه چیزهایی نیاز دارند؟ راجع به آنها در کلاس گفت‌وگو کنید.

گفت‌وگو کنید



برای پاسخ به این سؤال، از بین نیازهای متعدد کودکان، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱ احساس امنیت: منظور از احساس امنیت، احساسی درونی است که تعلق به فرد و داشتن جایگاه خاص را نشان می‌دهد، از جمله برخورداری از احساس عشق و دوست داشته‌شدن، خواسته‌شدن، مهم‌بودن و احترام‌داشتن در حد مطلوب. ایجاد این احساس به مهربانی والدین، مراقب، مربی و مربی‌یار بستگی دارد، زیرا در نتیجه این محبت است که کودک از خود تصوّر خوبی پیدا می‌کند و احساس مهم‌بودن و مورد اعتماد دیگران واقع‌شدن در وی تقویت می‌شود.

۲ خودشناسی و احترام به خود: احترام قائل‌شدن برای خود و رسیدن به تصور مثبت درباره‌ی خود از طریق افرادی مانند والدین، مربیان، بزرگ‌ترها، همسالان و محیط پیرامون خود در سال‌های رشد ساخته و پرداخته می‌شود. کودک این احساس را از طریق مقایسه‌ی خود با ملاک‌ها و معیارهای مختلف آنها کسب می‌کند بنابراین یکی از مسئولیت‌های مربیان آموزش و پرورش بنا نهادن معیارهای صحیح و متناسب با توانمندی‌های کودکان است.

۳ کسب تجربه‌های امیدوارکننده: باید کودکان را در فعالیت‌ها و برنامه‌هایی که برایشان واقعی، با ارزش، مهم و جالب است شرکت داد. با در نظر گرفتن ملاک‌های مناسب و صحیح برای فعالیت‌ها، ضرورت دارد به آنها فرصت دهیم تا تجربه بیندوزند، مشاهده کنند و دانسته‌های خود را به مرحله عمل درآورند و از آنها لذت ببرند.

۴ نیاز به بزرگ‌ترها جهت درک بهتر تجربه‌ها: درک انتظارات، خواسته‌ها و احساسات دیگران بخشی از نیازهای کودکان است و والدین و مربیان لازم است کودکان را در درک و فهم این خواسته‌ها و انتظارات کمک کنند. با یادآوری این نکته که عمل تفهیم به کودکان در ضمن آموزش و اجرای فعالیت‌های مختلف و در طی دوران رشد صورت می‌گیرد.

۵ ارتباط با الگوهای مطلوب شخصیتی: داشتن صداقت، مهربانی و پذیرش دیگران به خصوص کودکان، عشق به یادگیری و کسب دانش، احترام به خود و دیگران و در کل انسان‌بودن از ویژگی‌های شخصیتی افراد الگو است. کودکان در سنین پیش از دبستان نیاز دارند با افراد و مربیانی که دارای این صفات‌اند تماس داشته باشند، زیرا این افراد می‌توانند کودکان را به انضباط صحیح هدایت کنند.

۱- منظور از رشد همه‌جانبه کودک، ابعاد رشد انسان است که به ابعاد جسمی - حرکتی، عاطفی، اجتماعی، شناختی، زبانی و خلاقیت طبقه‌بندی شده است. برای کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه به پودمان ۱ درس مراقبت از سلامت کودک پایه ۱۰ مراجعه کنید.

نکته



کودکان در هر جامعه، علاوه بر نیازهای یاد شده ممکن است، بسته به ارزش‌ها و فرهنگ جامعه، نیازهای دیگری داشته باشند که باید در اولویت قرار گیرد. نیازهای جسمانی، عاطفی، داشتن خانواده سالم، پدر و مادر دلسوز و محیط تربیتی مناسب از مواردی است که تحقق آنها با پشتیبانی و حمایت از حقوق کودکان امکان‌پذیر خواهد بود.^۱

تمرین کنید



فعالیت ۷: خلاصه‌ای از آنچه تاکنون در مورد روان‌شناسی یاد گرفته‌اید، به شکلی خلاقانه (نموداری، گزارشی، نمایشی، تصویری و ...) یادداشت کنید و آن را در کلاس ارائه دهید.

هدف توانمندسازی ۶-۱: احساس و ادراک را تحلیل کند.

صدگوهر ناسفته پدیدار شوند

ادراک و خرد با تو اگر یار شوند

«رضا یغمایی»

احساس و ادراک

گفت‌وگو کنید



فعالیت ۸: تصور کنید در موقعیتی قرار گرفته‌اید که هیچ چیزی را نمی‌بینید، صدایی را نمی‌شنوید، قادر به لمس چیزی نیستید، نمی‌توانید چیزی را بچشید و قادر به بوکردن نیستید. در این شرایط چه واکنشی از خود نشان می‌دهید؟ برای انجام دادن فعالیت‌های روزانه خود چگونه رفتار می‌کنید؟ در گروه‌های کلاسی نظرات خود را ارائه دهید.

شناخت و آگاهی از محیط پیرامون از راه حواس پنج‌گانه آغاز و سپس در مغز ثبت می‌شود. حواس پنج‌گانه شامل حس بینایی، شنوایی، لامسه، بویایی و چشایی است. هر حس دارای اندام حسی مخصوص به خود است. توان برخی اندام‌های حسی در بعضی موجودات زنده از توان انسان بیشتر است، مانند سگ که حس بویایی قوی دارد. در روان‌شناسی، برخورداری از سلامت حواس برای ایجاد رفتار مطلوب، مسئله بسیار مهمی است.^۲ احساس از گیرنده‌های حسی آغاز می‌شود. این گیرنده‌ها، سلول‌هایی در اندام حسی هستند و اندام‌های حسی بخش ویژه‌ای از دستگاه عصبی است. وقتی اندام‌های حسی اثر محرک حسی را به صورت پیام عصبی به مراکز عصبی منتقل می‌کنند، «احساس» پدید آمده است.^۳

وقتی «اثر محرک» به مغز منتقل می‌شود، در آنجا اثری از خود به جا می‌گذارد. اگر این اثر حسی با توجه به اطلاعات قبلی و آشنا تجزیه و تحلیل گردد و احساس دریافت شده، معنی شود، به آن «ادراک» می‌گویند.

۱- برای کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه به کتاب همراه هنرجو و کتاب پرورش مهارت‌های ارتباطی و مشارکتی پایه ۱۱ مراجعه کنید.

۲- برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد حواس به پودمان دوم درس پرورش مهارت‌های شناختی و خلاق پایه دوازدهم مراجعه کنید.

۳- محرک عاملی است که اندام حسی را وادار به بروز پاسخ می‌کند. پاسخ واکنش رفتاری موجود زنده در مقابل محرک است.

یودمان اول: کاربرد روان‌شناسی در آموزش و پرورش کودک

ادراک درست، برپایهٔ بینش، اندیشه و خرد آدمی است. اما اگر این معنی کردن احساس، درست نباشد موجب اختلالات روانی و رفتاری، ستیزه‌جویی و تفرقه و سوء تفاهم خواهد شد (شکل ۵).

بدون احساس، تماس خود را با واقعیت از دست می‌دهیم. برای آشنایی با دنیایی که بر حواس ما تأثیر می‌گذارد، به ادراک نیاز داریم.

نکته



شکل ۵ - حواس پنجگانه

فعالیت ۹: در گروه‌های کلاسی، آیهٔ شریفهٔ زیر را به دقت بخوانید و به پرسش‌ها پاسخ دهید.
«وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ»
و خداوند شما را از شکم مادرانتان بیرون آورد در حالی که چیزی نمی‌دانستید و برای شما گوش و دیدگان و دل‌ها قرار داد تا شکرگزار باشید.

سورهٔ نحل، آیهٔ ۷۸

- ۱ براساس این آیهٔ شریفه، بعد از معرفت و شناخت حقایق عالم هستی، وظیفهٔ ما در مقابل خداوند به‌عنوان خالق این نعمت‌ها چیست؟
- ۲ شکر خداوند در مقابل نعمت‌هایی مانند چشم، گوش، زبان، دست و پا، دندان‌ها و ... چگونه است؟
- ۳ با جست‌وجو در تفاسیر قرآنی و منابع معتبر، در رابطه با شکرگزاری از نعمت‌های خداوند، آیات مشابه و یا اشعار مرتبط را در کلاس ارائه دهید.

گفت‌وگو کنید



هدف توانمندسازی ۷-۱: عوامل مؤثر بر احساس و ادراک را بررسی کند.

عوامل مؤثر بر احساس

در ایجاد احساس، دو عامل مهم «محرک حسی» و «انتقال عصبی پیام‌های حسی»، تأثیر دارند:

الف) محرک حسی

ویژگی‌هایی که یک محرک دارد عامل بسیار مؤثری در ایجاد احساس است. به طوری که در صورت نبودن برخی از این ویژگی‌ها، احساسی به وجود نمی‌آید یا در صورت بودن محرک، احساس به وجود آمده متفاوت یا خفیف خواهد بود. برای مثال طول موج‌هایی که آدمی به صورت نور ادراک می‌کند بین ۳۸۰ نانومتر تا حدود ۷۸۰ نانومتر است. در مورد شنوایی انسان می‌تواند اصواتی با طول موج‌های ۲۰ تا ۲۰۰۰۰ هرتز را بشنود و خارج از این حدود را احساس نخواهد کرد. زیر و بمی و طنین که فرایند احساس را تحت تأثیر قرار می‌دهند، از ویژگی‌های دیگر حرکات شنوایی است.

ب) انتقال عصبی پیام‌های حسی

از زمانی که ویژگی یک محرک معین باعث تحریک گیرنده حسی می‌شود، پیام ایجاد شده در یک جریان عصبی به مغز منتقل می‌شود. عملکرد هر یک از مراحل انتقال پیام، عامل مهمی در انتقال پیام عصبی است. برای مثال نداشتن شنوایی، نقص عملکرد پرده صماخ است. آسیب به این ناحیه، هرچند با عملکرد طبیعی سایر عوامل همراه باشد، احساس را دچار مشکل خواهد ساخت.^۱

عوامل مؤثر بر ادراک: در ایجاد ادراک دو عامل زیر تأثیر دارند:

۱ ویژگی‌های فرد: این ویژگی‌ها شامل یادگیری‌ها، تجربه‌ها، خاطره‌های گذشته، انگیزه‌ها، آمادگی‌ها، عادات و انتظارات فرد است.

۲ ویژگی‌های محرک و شرایط ارائه آن: نوع متن، رنگ، روابط اجزای محرک با هم و... بر چگونگی ادراک اثر می‌گذارند.

توجه به این نکته لازم است که اندام‌های حسی طوری آفریده شده‌اند که عمل خاصی را انجام دهند و در تفسیر و تعبیر نقش ندارند. بنابراین حس‌ها خطا نمی‌کنند، اما تفسیر حسی، یعنی ادراک که عمل مغز است، امکان دارد دچار خطا^۲ شود.

احساس، اولین گام برای ادراک است و مرحله‌ای است که اطلاعاتی را برای فرد فراهم می‌آورد تا ادراک کافی صورت بگیرد. تمامی فرایندهای شناختی اطلاعات خود را از مرحله «احساس» دریافت کرده‌اند.

نکته



فعالیت ۱۰: محرکی مانند رنگ، صدا، داغی، حرارت، بو یا مزه را در نظر بگیرید و فرایند احساس و ادراک آن را بررسی و نتیجه را گزارش دهید.

گزارش تهیه کنید



۱- برای کسب اطلاعات بیشتر در زمینه حواس و عملکرد آنها به پودمان ۲ درس مهارت‌های شناختی و خلاق پایه ۱۲ مراجعه کنید.
۲- در ایجاد خطای ادراک عواملی مانند اطلاعات قبلی، محرومیت‌های حسی، فرهنگ و آداب و رسوم، هیجان، تلقین، استدلال و توجه تأثیر دارند.

فعالیت ۱۱: با جست‌وجو در منابع علمی در مورد عواملی که باعث ادراک نادرست می‌شوند، بروشوری تهیه کنید.

جست‌وجو کنید



تفاوت احساس و ادراک

فعالیت ۱۲: در گروه‌های کلاسی در مورد رابطه احساس و ادراک گفت‌وگو کنید.

گفت‌وگو کنید



- احساس، و ادراک به دلایل زیر با هم تفاوت دارند:
- احساس، زمینه ادراک است و بدون آن ادراک رخ نمی‌دهد.
- احساس به سازمان فیزیولوژیکی انسان و اندام‌های حسی مربوط است.
- ادراک به یادگیری‌ها و تجربه‌های فرد وابسته است.
- احساس دو نفر از یک محرک، یکسان است، ولی ممکن است ادراک آن از سوی همان دو نفر متفاوت باشد.
- در انسان، احساس بدون ادراک کمتر وجود دارد (ادراک مخصوص انسان است).

فعالیت ۱۳: خلاصه‌ای از آنچه را در مورد احساس و ادراک و عوامل مؤثر بر آن یاد گرفته‌اید، به شکلی خلاقانه (نموداری، گزارشی، نمایشی، تصویری،...) یادداشت کنید.

تمرین کنید



اهداف توانمندسازی ۸-۱: فهرستی از عوامل مؤثر در یادگیری را تهیه کند.

یادگیری کمال انسان است

مایه فکر و قدرت جان است

«محمد پارسا»

یادگیری

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: نشاط زیاد همراه با قدرت‌نمایی و گاه سرکشی در کودکان، مایه فزونی عقل آنها در بزرگی است. (نهج‌الفصاحه)

فعالیت ۱۴: اگر شما قدرت یادگرفتن حروف الفبا، مهارت در راه‌رفتن، حرف‌زدن و مهارت‌های دیگر را نداشتید، زندگی شما چه تغییراتی می‌کرد؟ در گروه‌های کلاسی در مورد نقش یادگیری در پیشرفت زندگی فردی و اجتماعی گفت‌وگو کنید.

گفت‌وگو کنید



یادگیری گران بها ترین هدیه الهی و یکی از مهم ترین توانمندی های اکتسابی انسان است که مایه رشد، ترقی و کمال او به شمار می آید، تا جایی که می توان گفت انسان همان چیزی است که آموخته است.

تعریف یادگیری: به تغییرات نسبتاً پایدار در رفتار بالقوه که در نتیجه تمرین و تجربه رخ می دهد، یادگیری می گویند. بنابراین یادگیری همراه با «تغییر» است، به گونه ای که بعد از کسب یادگیری، فرد رفتارش به روش یا حالت جدیدی تغییر می یابد. انسان، در نتیجه تغییرات ناشی از یادگیری، قادر می شود مفاهیم، اندیشه درست، استدلال منطقی، فناوری های نوین آموزشی و آموزش الکترونیکی و سایر مهارت ها را در زمینه های علوم مختلف، فنون و هنرها، دقیق تر بیاموزد.

عوامل مؤثر در یادگیری

زندگی انسان در گرو یادگیری مهارت های مختلف است و برای اینکه بتواند خوب یاد بگیرد عوامل متعددی در یادگیری او مؤثرند. برخی از آن عوامل در نمودار زیر نشان داده شده است:



نمودار ۲- عوامل مؤثر بر یادگیری

۱ رشد طبیعی: برای یادگیری هر چیزی، سن و توان ذهنی خاصی لازم است. در واقع رشد طبیعی یعنی اینکه یادگیرنده برای نوعی آموختن یا قبول مسئولیت، به آن درجه از رشد بدنی و روانی رسیده است که آمادگی دارد که کار خاصی را انجام دهد. مثلاً از لحاظ رشد عقلی هر چند بسیاری از کودکان در شش سالگی توان سوادآموزی دارند، ولی عده کمی از آنها در چهار سالگی دارای این توان هستند یا برخی کودکان هرگز نمی توانند خواندن و نوشتن بیاموزند چون رشد طبیعی و عقلی لازم را ندارند.

۲ هدف: هدف خواسته دقیق و روشن و وضعیتی است که فرد می خواهد در آینده داشته باشد و برای رسیدن به آن، مدام ذهن خود را درگیر می کند. هدف همان نتیجه ای است که در اثر برنامه ریزی، تلاش و پشتکار فرد به دست می آید.

وقتی یادگیرنده به خوبی بداند که هدف از آموختن یک ماده درسی چیست، علاقه او به یادگیری افزایش می یابد و کوشش او دو چندان می شود. مشخص بودن هدف ها در هر مرکز آموزشی، سبب هماهنگی بیشتر یاددهنده و یادگیرنده می شود، آنان را به اجرای فعالیت های متنوع برمی انگیزد، جهت و میزان پیشرفت آنان را نشان می دهد، محیط آموزشی و کلاس را آموزنده و نشاط آور می سازد، سطح یادگیری یادگیرندگان را گسترش می دهد و یادگیری را عمیق تر و مؤثرتر می کند.

۳ انگیزه: میل و رغبت یادگیرنده به آموختن است. انگیزه، نیروی فعالیت یادگیرنده را افزایش می‌دهد، باعث علاقه‌وی به یادگیری می‌شود و کوشش او را برای یادگیری بیشتر می‌کند. برای ایجاد انگیزه، لازم است مطالب و مفاهیم آموزشی براساس نیاز یادگیرندگان تنظیم شود و به آنان در برخورد با محیط کمک کند. همچنین استفاده از تشویق، رقابت، امتحان و حتی اضطراب در ایجاد انگیزه مؤثر است.

نکته



گاهی هدف‌ها را با انگیزه‌ها اشتباه می‌گیرند. هدف‌ها نتایج مطلوبی هستند که رفتار در جهت آنها هدایت می‌شود. تحقق یافتن هدف‌ها، مستلزم رفتار هدایت شده است. اما انگیزه‌ها، آن‌چنان که گفته شد، به وضعی درونی اشاره دارد تا رفتار را در جهت هدف‌ها، فعال سازد و هدایت کند. تشخیص انگیزه‌ها از هدف‌ها مفید است.

۴ تجربیات قبلی (زمینه معلوماتی): یادگیرنده زمانی می‌تواند مفاهیم و مسائل جدید را درک کند که از قبل، زمینه و معلومات لازم را داشته باشد. یادگیری مانند رشد فرد است. همچنان که رشد جریانی دائمی است، یعنی گذشته، حال و آینده او با هم ارتباط دارند، یادگیری نیز جریانی است که تجارب گذشته، پایه و اساس وضع فعلی آن را تشکیل می‌دهد و آنچه کودک در آینده خواهد آموخت، باید متناسب با تجارب او در زمان حاضر باشد. همچنان که برای آموزش مفهوم عدد به کودک، ابتدا باید مفهوم طبقه‌بندی و ردیف کردن را یاد گیرد.

۵ تکرار و تمرین: ضرب‌المثل قدیمی «کار نیکوکردن از پرکردن است» بیانگر تأثیر تکرار و تمرین در یادگیری است. تأثیر تمرین و تکرار در کل فرایند یادگیری و حیطه‌های مختلف آن، به‌ویژه در حیطه روانی-حرکتی، انکارناپذیر است. درست نوشتن فقط در نتیجه تمرین و تکرار یاد گرفته می‌شود و اگر نوشتن حروف تکرار نشود، دیر یا زود به دست فراموشی سپرده خواهد شد. کیفیت اجرای تمرین، مقدار و زمان آن نقش بسیار مهمی در تثبیت یا بی‌ثباتی رفتار یادگرفته شده دارد. آزمایش‌های متعدد نشان داده است شاگردی، موضوع یادگیری را در دو تمرین بیست‌دقیقه‌ای، زودتر از یک تمرین چهل دقیقه‌ای یاد می‌گیرد. تمرین و تکرار بیش از اندازه نیز باعث خستگی می‌شود و یادگیری را کاهش می‌دهد.

۶ آگاهی از نتیجه کار: اطلاع از نتیجه هر فعالیت و مشخص کردن هدف، برای یادگیرنده عاملی تشویقی است، باعث توجه بیشتر او به یادگیری می‌شود، خطاها را تصحیح می‌کند و پیوسته هدف نهایی مورد توجه قرار می‌گیرد. در این صورت یادگیری بهتر و مؤثرتر اتفاق می‌افتد (شکل ۶).

نکته



عوامل دیگری از جمله تشویق، تنبیه، آرامش روانی، خسته‌نبودن، طول دوره یادگیری، وجود نور و گرمای مناسب، نبود عوامل مزاحم، فراهم‌بودن وسایل موردنیاز، نوع موضوع یادگیری و ... بر یادگیری تأثیر دارند.

گزارش
تهیه کنید



فعالیت ۱۵: یادگیری مهارت‌های تخصصی رشته خود را در نظر بگیرید. گزارشی از عوامل مؤثر بر یادگیری این مهارت‌ها تهیه کنید و در کلاس ارائه دهید. نتیجه بررسی خود را با نظرات سایر هنرجویان مقایسه کنید.



شکل ۶- یادگیری کودکان

تمرین کنید



فعالیت ۱۶: خلاصه‌ای از آنچه را در مورد یادگیری و عوامل مؤثر بر آن یاد گرفته‌اید، به شکلی خلاقانه (نموداری، گزارشی، نمایشی، تصویری...) یادداشت کنید.

هدف توانمندسازی ۹-۱: نظریه‌های یادگیری را با هم مقایسه کند.

نظریه‌های یادگیری

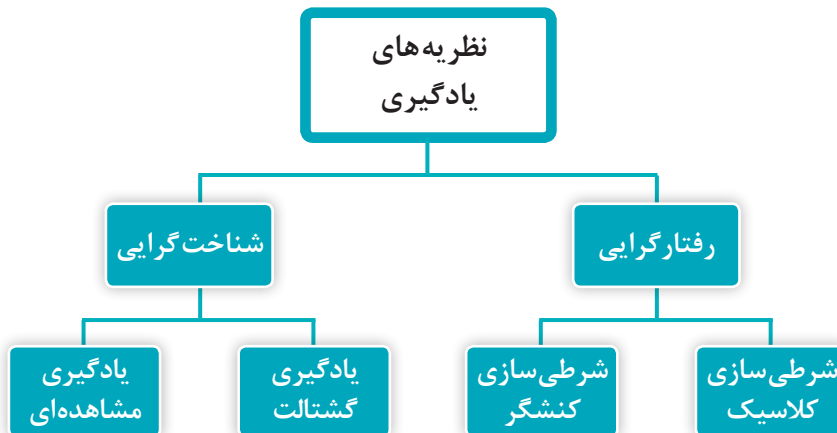
گفت‌وگو
کنید



فعالیت ۱۷: در گروه‌های کلاسی در مورد سؤال زیر گفت‌وگو کنید و نظرات خود را با سایر گروه‌ها به بحث بگذارید.

تاکنون چگونه مهارت‌های مختلف مربی یاری را برای آموزش کودک، یاد گرفته‌اید؟

محققان روان‌شناسی تربیتی، یادگیری را از دیدگاه‌های گوناگون مورد بررسی قرار داده‌اند و یافته‌های آنها در تبیین پدیده یادگیری به ارائه نظریه‌های مختلفی منجر شده است که به توصیف و تبیین نحوه یادگیری افراد می‌پردازند. نمودار صفحه بعد مهم‌ترین نظریه‌های یادگیری را نشان می‌دهد:



نمودار ۳- نظریه‌های یادگیری

۱- نظریه رفتارگرایی^۱

رفتارگرایی، دیدگاهی است که می‌گوید رفتار، باید به وسیلهٔ تجارب قابل مشاهده، تبیین شود، زیرا فرایندهای ذهنی را گرچه هر فردی می‌تواند تجربه کند، دیگران نمی‌توانند ببینند. در این نظریه، رفتار آن چیزی است که انجام می‌دهیم و مستقیماً قابل مشاهده است و افکار، احساسات و انگیزه‌ها، موضوعات مناسبی برای علم مطالعهٔ رفتار نیستند، زیرا آنها را نمی‌توان مستقیماً مشاهده کرد. نظریه‌های شرطی‌سازی کلاسیک و شرطی‌سازی کنشگر، دو نظریه مهم در این دیدگاه‌اند.

الف) نظریه‌های شرطی‌سازی کلاسیک: شرطی‌سازی نوعی یادگیری است که خود، به دو دیدگاه عمدهٔ شرطی‌سازی کلاسیک و شرطی‌سازی کنشگر تقسیم می‌شود. پایه گذار این نظریه، زیست‌شناس روسی به نام ایوان پاولف^۲ است. وی زمانی که ترشحات بزاق سگ را برای بررسی هضم غذا اندازه‌گیری می‌کرد، مشاهده کرد بزاق حیوان با دیدن ظرف غذا یا صدای باز شدن در آن، ترشح می‌شود. از این رو، دریافت که تداعی سگ با این محرک‌های دیداری و شنیداری با نوعی یادگیری همراه است، که نام آن را شرطی‌سازی کلاسیک گذاشت.

بنابراین، شرطی‌سازی کلاسیک نوعی یادگیری است که موجود زنده می‌آموزد چگونه محرک‌ها را با هم پیوند دهد. **ب) نظریهٔ شرطی‌سازی کنشگر:** یکی دیگر از رفتارگرایان به نام بی. اف اسکینر^۳ بود که نشان داد رفتارهای شرطی و بازتابی، فقط بخش کوچکی از رفتارهای آدمی است. کار اسکینر بر رابطهٔ بین رفتار و نتایج آن مبتنی است. او می‌گوید اگر نتایج رضایت‌بخشی به دنبال یک رفتار بیاید، آن رفتار امکان بروز بیشتری می‌یابد و اگر آن نتایج رضایت‌بخش نباشد، رفتار مربوط به آن بروز پیدا نمی‌کند. همین نتایج رضایت‌بخش و غیررضایت‌بخش است که شرطی‌شدن عامل یا کنشگر، نامیده می‌شود. در آزمایش‌های اسکینر، موش‌ها و کبوترها درون محفظه‌های معروف به «جعبهٔ اسکینر» در وضعیت کنترل‌شده‌ای قرار داده می‌شدند و

۱- بنیان‌گذار مکتب رفتارگرایی جان. بی واتسون است. وی اعتقاد داشت روان‌شناسی برای اینکه به صورت علم درآید، به موضوعی نیاز دارد که به‌گونه‌ای با ثبات قابل اندازه‌گیری باشد و آن موضوع «رفتار» است.

۲- Ivan pavlov.

۳- Burrhus Fredric Skinner

دگرگونی‌های رفتاری آنان، که ناشی از تغییرات منظم در نتایج آن رفتارها بود، مورد مشاهده قرار می‌گرفت. نام دیگر رفتار کنشگر، رفتار فعال است؛ زیرا برخلاف رفتار پاسخگر در شرطی شدن کلاسیک، ارگانیسم در انجام دادن این گونه رفتار، فعال است و بر روی محیط، عمل یا کنش می‌کند. از این‌رو، اسکینر آن رفتار را کنشگر نامید. در این نظریه تقویت یا پاداش عامل یادگیری است و نیازی به تکرار ندارد.

۲- نظریه شناخت‌گرایی

همه یادگیری‌ها را نمی‌توان با شرطی‌سازی تبیین کرد، بلکه باید به فرایندهای ذهنی، مانند ادراک، تفکر و ساخت شناختی نیز توجه شود. از این‌رو روان‌شناسان، نظریه‌های دیگری در زمینه یادگیری ارائه کرده‌اند که مهم‌ترین آنها نظریه شناختی است.^۱ نظریه یادگیری گشتالت و نظریه یادگیری مشاهده‌ای دو نظریه مهم در این دیدگاه‌اند.

الف) یادگیری گشتالت: بنیان‌گذار روان‌شناسی گشتالت، دانشمند آلمانی ماکس ورتایمر^۲ است. منظور از گشتالت، شکل، انگاره یا طرح است. معنی گشتالت در این نظریه آن است که کل از اجزای تشکیل‌دهنده آن بیشتر است. یعنی کل، دارای خواص یا ویژگی‌هایی است که در اجزای تشکیل‌دهنده آن یافت نمی‌شود و از خیلی جهات، تعیین‌کننده خصوصیات اجزاست.

یادگیری در این رویکرد، عبارت است از بینش حاصل از درک موقعیت یادگیری به‌عنوان یک کل یکپارچه که از طریق کشف روابط میان اجزای تشکیل‌دهنده موقعیت یادگیری حاصل می‌شود. مثلاً یک درخت از ریشه، شاخه، تنه و برگ تشکیل شده است. این اجزا جدا از هم دارای معنی درخت نمی‌شود، بلکه روابط این اجزا به شکل خاص است که معنی درخت را می‌سازد. سه شرط مهم یادگیری گشتالت داشتن انگیزه، توجه به محیط خود و به‌کارگیری معلومات گذشته است.

ب) یادگیری مشاهده‌ای: بنیان‌گذار این نظریه، آلبرت بندورا^۳، روان‌شناس کانادایی است. او می‌گوید عوامل شخصی نظیر باورها، انتظارات و نگرش‌ها، رویدادهای محیطی و رفتارهای فرد با یکدیگر تأثیر متقابل دارند و هیچ یک از این سه جزء را نمی‌توان جدا از یکدیگر به‌عنوان تعیین‌کننده رفتار انسان به حساب آورد. به این معنی که رویدادهای محیطی بر رفتار تأثیر می‌گذارد، رفتار نیز محیط را تحت تأثیر قرار می‌دهد و «عوامل شخصی هم بر رفتار» اثر می‌گذارد و برعکس.

طبق این نظریه، یادگیرنده از طریق مشاهده رفتار دیگران به یادگیری می‌پردازد. وقتی یادگیرنده، رفتار شخص دیگری را مشاهده می‌کند که آن شخص برای انجام دادن آن رفتار، پاداش یا تقویت دریافت می‌نماید؛ آن رفتار توسط فرد مشاهده‌کننده، آموخته می‌شود. خلاصه‌ای از نظریه‌های یادگیری در جدول ۱ آورده شده است.

۱- منظور از شناخت در یادگیری شناختی، جریان‌های فکری و ذهنی، حاکم بر رفتار است و کمتر با رفتارهای آشکار سروکار دارد.

۲- wertheimer.M.

۳- Bandura.Albert

جدول ۱ - نظریه‌های یادگیری

نام نظریه	نام اندیشمند	شرح نظریه	مثال کاربردی نظریه
رفتارگرایی	ایوان پاولف	موجود زنده می‌آموزد چگونه محرک‌ها را با هم پیوند دهد.	ترشح بزاق دهان با دیدن شیشه ترشی
			نخوردن شربت داروئی به علت سابقه مزه تلخ
رفتارگرایی	بی.اف اسکینر	اگر انجام یک رفتار به نتایج رضایت‌بخشی منجر شود، احتمال تکرار آن رفتار بیشتر می‌شود و اگر انجام رفتاری، نتایج رضایت‌بخش نداشته باشد، احتمال تکرار آن کاهش می‌یابد.	تشویق موفقیت‌های فرد و میل به تکرار آن
			تشویق کودک به خاطر شعرخوانی و تکرار آن در موقعیت‌های مشابه
شناخت‌گرایی	مارکس ورتایمر	درک کلی از موضوع و کشف روابط اجزای آن با هم، به یادگیری موضوع منجر می‌شود.	اجزای یک درخت به تنهایی و ترکیب آنها در یک درخت با هم
			درست کردن شربت آبلیمو با شکر، آب و آبلیمو و خوردن آن توسط کودک و خوردن هرکدام از اجزای شربت به تنهایی
شناخت‌گرایی	آلبرت بندورا	یادگیری از طریق مشاهده و تقلید رفتار دیگران ایجاد می‌شود	یادگیری ساخت کاردستی و عروسک از طریق مشاهده ساخت آنها توسط هنرآموز یا فیلم
			یادگیری مهارت‌های اجتماعی مانند سلام، همدلی، ابراز وجود با دیگران از طریق نمایش و سپس اجرای آنها توسط کودک

نکته



روان‌شناسی شناختی دو تفاوت اساسی با روان‌شناسی رفتارگرایی دارد:

- ۱ موضوعات روان‌شناسی شناختی، فعالیت‌های ذهنی عالی، مانند ادراک، تفکر و تصمیم‌گیری است.
- ۲ در شناخت‌گرایی بیش از پژوهش حیوانی بر پژوهش انسانی تأکید می‌شود و موضوعاتی مانند زبان‌آموزی و خواندن از مواردی است که پژوهش انسانی آن بسیار آسان‌تر از پژوهش حیوانی است.

تمرین کنید



فعالیت ۱۸: باتوجه به مهارت‌ها و درس‌هایی که خود در یک هفته فراگرفته‌اید، نظریه مربوط به یادگیری هر کدام را مشخص و سپس جدول زیر را کامل کنید.

یادگیری مهارت‌ها و درس‌های من در یک هفته	
یادگیری مهارت‌ها و درس‌ها	نظریه مربوط

جست‌وجو کنید



فعالیت ۱۹: درباره نظریه‌های جدید یادگیری منابع علمی را جست‌وجو کنید و راجع به مهم‌ترین آنها گزارشی ارائه دهید.

تمرین کنید



فعالیت ۲۰: خلاصه‌ای از آنچه را در مورد نظریه‌های یادگیری یاد گرفته‌اید، به شکلی خلاقانه (نموداری، گزارشی، نمایشی، تصویری...) یادداشت کنید.

هدف توانمندسازی ۱۰-۱: انگیزه و هیجان را بررسی کند.

ز انگیزه خیر رو برمتاب که انگیزه شر رساند عذاب
«محمد پارسا»

انگیزه و هیجان

گفت‌وگو کنید



فعالیت ۲۱: در گروه‌های کلاسی راجع به دلایلی که باعث شده است رشته تربیت کودک را برگزینید، گفت‌وگو کنید و دلایل خود را با دلایل سایر گروه‌ها مقایسه نمایید.

انگیزه ۱

عواملی وجود دارد که سبب می‌شود موجود زنده به رفتار خاصی یا فعالیت هدفمندی بپردازد یا از آن پرهیز کند. روان‌شناسان این عوامل را **انگیزه** می‌نامند. بنابراین، انگیزه در زندگی موجود زنده، جایگاه بسیار مهمی

دارد. انگیزه، هنرجویی را وادار می‌کند تا ساعت‌ها به درست کردن کاردستی یا اجرای نمایش عروسکی بپردازد و هنرجوی دیگر را به نوشتن برنامه‌ریزی و ساخت فیلم‌های کوتاه یا به حسابداری یا به هنر سوق می‌دهد. **تعریف انگیزه:** روان‌شناسان، کلیه عواملی را که موجود زنده و از جمله انسان را به فعالیتی وامی‌دارد و او را در جهت خاصی سوق می‌دهد، انگیزه می‌نامند. انگیزه، اولین عنصر تشکیل‌دهنده رفتار است.

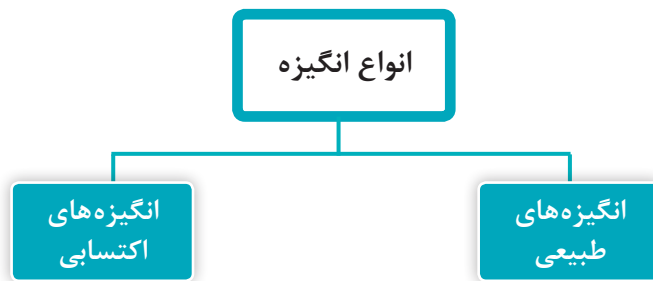
نیازها مهم‌ترین عامل ایجادکننده انگیزه‌ها هستند و شامل دو دسته بزرگ «نیازهای بدنی» مانند نیاز به آب، غذا و «نیازهای روانی» مانند نیاز به احساس ارزشمندی عزت نفس، قدرت طلبی،... است.

نکته



انواع انگیزه‌ها

باتوجه به رفتارهای گوناگون انسان، انگیزه‌ها را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد: (نمودار ۴)



نمودار ۴- انواع انگیزه

۱ انگیزه‌های طبیعی: انگیزه‌هایی هستند که از آغاز تولد، همراه آدمی بوده و به آموختن نیازی نداشته‌اند. ویژگی اساسی انگیزه‌های طبیعی، فطری و غریزی بودن آنهاست. انگیزه‌های طبیعی را انگیزه‌های اولیه، فیزیولوژیکی یا حیوانی نیز می‌نامند. گرسنگی، تشنگی و خوابیدن از مصادیق انگیزه‌های اولیه است.

۲ انگیزه‌های اکتسابی: این انگیزه‌ها، ناشی از چگونگی اثرات عوامل محیطی و اجتماعی بر رفتارهای فرد است و یادگیری در ایجاد آنها نقش اساسی دارد. این انگیزه‌ها به دو دسته مهم انگیزه‌های شخصی مانند انگیزه پیشرفت و انگیزه کمال‌جویی و انگیزه اجتماعی مانند شرکت در مراسم سنتی و دوست‌داشتن ایران، حمایت از مظلومان، جهاد در راه خدا، حمایت از کالای ایرانی و... تقسیم می‌شود.

نکته



۱ می‌توان انگیزه‌ها را به دو دسته انگیزه‌های درونی و انگیزه‌های بیرونی نیز تقسیم کرد. منبع انگیزه بیرونی در پاداش و لذت خارج از فرد قرار دارد؛ در حالی که در انگیزه درونی، منبع لذت در خود تکلیف است.

۲ انگیزه و انگیزش، غالباً به صورت مترادف به کار می‌روند، در عین حال می‌توان گفت انگیزه «عاملی درونی است که موجب رفتار فرد می‌شود» و «انگیزش حالت روانی انسان است که او را در جهت خاصی تجهیز و به انجام دادن رفتارهایی مشخص وادار می‌کند». بنابراین، انگیزه، عاملی درونی است که انسان را به حرکت وامی‌دارد و انگیزش، حالتی است که در اثر دخالت انگیزه به انسان دست می‌دهد.

تمرین کنید



فعالیت ۲۲: فهرستی از رفتارهای روزانه خود را تهیه کنید. انگیزه‌های مختلف آنها را نیز در جدول زیر مشخص کنید.

رفتار	نوع انگیزه (طبیعی، اکتسابی)

گفت‌وگو کنید



فعالیت ۲۳: گزارشی در مورد تفاوت انگیزه‌های هنرجویانی که در انجام دادن فعالیت‌های خود، بیشتر تلاش می‌کنند بنویسید و راجع به دلایل خود با سایر هنرجویان گفت‌وگو کنید.

هیجان^۱

گفت‌وگو کنید



فعالیت ۲۴: تصور کنید در حالی که برای درس پرورش مهارت‌های شناختی در کارگاه به فعالیتی مشغول هستید، به شما اطلاع می‌دهند که در جشنواره قصه‌گویی رتبه برتر را کسب کرده‌اید. واکنش شما در این موقعیت چگونه است؟ واکنش خود را با واکنش هم‌گروه‌های خود مقایسه کنید.

انسان‌ها در برابر اتفاقات زندگی و دریافت اخبار و اطلاعات، دارای پاسخ‌های متفاوت‌اند، مانند زمانی که در یک مسابقه برنده می‌شوند یا به علت از دست دادن یک عزیز آرامش خود را از دست می‌دهند. این پاسخ‌ها را در روان‌شناسی «هیجان» می‌گویند.

تعریف هیجان: واکنش ناموزون، شدید و ناگهانی فرد را، به یک موقعیت غیرمنتظره که معمولاً همراه با یک حالت عاطفی خوشایند یا ناخوشایند است، هیجان می‌گویند. هیجان‌ها (احساسات و عواطف)، مهم‌ترین بخش شخصیت انسان است و به صورت طبیعی در همه انسان‌ها وجود دارد. احساسات به دو صورت مثبت (خوشایند) مانند شادی، محبت، امید و منفی (ناخوشایند) مانند غم، خشم، ترس بروز می‌کند.

روان‌شناسان در تعریف هیجان بر سه مؤلفه اصلی یعنی تغییرات در چهره، مغز و بدن، فرایندهای شناختی مانند ادراک و تفسیر رویدادها و تأثیرات فرهنگی که بر ابراز هیجان تأثیر دارند، تأکید می‌کنند (شکل ۷).^۲

۱- Emotion

۲- برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد هیجان به کتاب پرورش مهارت‌های کلامی پایه ۱۱ و پرورش مهارت‌های عاطفی - اجتماعی در پایه ۱۲ مراجعه کنید.



در روان‌شناسی، هیجان‌ها چه مثبت و چه منفی اگر در حد متعادلی باشند برای فرد مشکلی ایجاد نمی‌کنند اما اگر از حد تعادل کمتر یا بیشتر باشند مشکلاتی را برای فرد ایجاد می‌کنند. بنابراین هیجان را می‌توان ریشه‌ی بسیاری از اختلال‌های روانی فرد یا تضمین‌کننده‌ی بهداشت و سلامت روانی او دانست. مثلاً ترس متعادل، باعث فرار از خطر و حفظ جان می‌شود و ترس نامتعادل، باعث ابتلای فرد به برخی بیماری‌های روانی خواهد شد.



شکل ۷- هیجان‌ات

فعالیت ۲۵: با مشاهده رفتار اطرافیان خود، فهرستی از رفتارهای هیجانی آنها را تهیه، و خوشایند و ناخوشایند بودنشان را مشخص کنید.

تمرین کنید



فعالیت ۲۶: قصه‌ای با موضوع آموزش ابراز هیجان در موقعیت‌های مختلف برای کودک پنج ساله بنویسید^۱ و به صورت نمایش اجرا کنید.

تمرین کنید



فعالیت ۲۷: خلاصه‌ای از آنچه را در مورد انگیزه و هیجان یاد گرفته‌اید به شکلی خلاقانه (نموداری، گزارشی، نمایشی، تصویری،...) یادداشت کنید.

تمرین کنید



۱- برای کسب اطلاعات در مورد قصه‌نویسی، به پودمان ۴ کتاب پرورش مهارت‌های کلامی پایه ۱۱ مراجعه کنید.

هدف توانمندسازی ۱-۱: عوامل مؤثر در شخصیت را تحلیل کند.

اگر این درنده خویی ز طبیعتت بمیرد همه عمر زنده باشی به روان آدمیت
«سعدی»

شخصیت ۱

گفت و گو
کنید



فعالیت ۲۸: در گروه‌های کلاسی راجع به سؤالات زیر گفت و گو کنید و نظرات خود را با هم بسنجید. به چه دلیل عده‌ای موفق و عده‌ای ناموفق‌اند؟ چرا عده‌ای دچار فشار روانی می‌شوند و بقیه مشکلی ندارند؟ چرا برداشت افراد از امور متفاوت است؟

شخصیت، مجموعه‌ای از ویژگی‌های ظاهری و غیرظاهری رفتار یک فرد است که ثبات و جلوه بیشتری دارد و تا حدی قابل پیش‌بینی است و باعث تمایز افراد از یکدیگر می‌شود. شخصیت بیانگر آن دسته از ویژگی‌های فرد است که الگوهای ثابت فکری، عاطفی و رفتاری او را شامل می‌شود.^۲ بنابراین هر فرد شخصیت خود را دارد، زیرا هر فرد ترکیبی از صفات و ویژگی‌هاست که به طور پایدار و به صورت رفتارهایی بارز جلوه می‌کند. مانند فردی که همواره خنده‌رو یا مهربان است و گاهی ترش‌رو و سنگدل می‌شود. خنده‌روی و مهربانی در چنین فردی از صفات شخصیتی اوست.^۳

عوامل مؤثر در شکل‌گیری شخصیت

شخصیت هر فرد حاصل تأثیر متقابل عوامل ژنتیکی و وراثتی، محیطی (فرهنگ، یادگیری، والدین، تجربه گروهی و تجارب شخصی...) و تصورات فردی است.

۱ عامل ژنتیکی و وراثتی: این عوامل از طریق ارث منتقل می‌شوند. از مهم‌ترین عوامل ارثی مؤثر بر شخصیت می‌توان به عملکرد دستگاه عصبی و غدد، شکل ظاهری و اندام‌های بدن و جنسیت اشاره کرد. هزاران ژن برای ساختن سازمان بدنی فرد از طریق سلول‌های جنسی پدر و مادر در محیط قبل از تولد در برابر هم قرار می‌گیرند.

۲ عامل محیطی: عوامل محیطی عواملی هستند که بعد از تولد، فرد را احاطه می‌کنند. این عوامل با اثرگذاری در یادگیری‌ها و دستگاه عصبی فرد، در شکل‌گیری شخصیت وی مؤثرند. از مهم‌ترین این عوامل می‌توان به فرهنگ و آداب و رسوم فرد و جامعه، روش تربیتی خانواده، مدرسه، گروه همتایان، اقوام و دوستان، تعلیم و تربیت و اجتماع وسیعی که فرد در آن زندگی می‌کند، اشاره کرد.

۱- Personality

۲- از شخصیت تعاریف زیادی شده است. این تعاریف غلط یا درست نیستند، بلکه در میزان هدایت انسان‌ها به شناخت جنبه‌های مختلف با یکدیگر تفاوت دارند.

۳- واژه شخصیت، از کلمه پرسونا گرفته شده است و به معنی نقاب یا ماسکی است که در یونان و روم قدیم، بازیگران تئاتر بر چهره می‌گذاشتند. در حال حاضر، تعریف واحدی از شخصیت که مورد توافق همگان باشد وجود ندارد. اما می‌توانیم بگوییم که «شخصیت عبارت است از الگوی نسبتاً پایدار صفات، گرایش‌ها، یا ویژگی‌هایی که تا اندازه‌ای به رفتار افراد دوام می‌بخشد.»

رویدادهای اجتماعی مهم (مثبت و منفی) مانند استقلال کشور، دفاع مقدس و...، یا مشکلات و رکودهای اقتصادی می‌توانند انتخاب‌های زندگی ما را متفاوت کنند و بر شکل‌گیری شخصیت تأثیر بگذارند.

۳ تصورات فردی: تجارب کودکی که حتی در یک خانواده پرورش می‌یابند با هم متفاوت است، زیرا هر یک در معرض تجربه‌های اجتماعی متفاوت و برداشت‌های شخصی قرار می‌گیرند. هر کودک با داشتن ساختمان وراثتی و محیط تربیتی متفاوت، دارای مجموعه‌ای از تجربه‌های منحصر به فردی است که کودک دیگر عیناً از آن برخوردار نیست. بنابراین شخصیت هر فرد نتیجه تعامل دو عامل وراثت و محیط است.

فعالیت ۲۹: در مورد تفاوت نقش شخصیت‌ها در خانواده یا همسالان، نمایش گروهی در کلاس ارائه دهید.

جست‌وجو کنید



هدف توانمندسازی ۱۲-۱: هوش را تحلیل کند.

هر زمان بینی رضای کار خویش
«محمد پارسا»

گر مراقب باشی و هشیارِ خویش

هوش^۱

فعالیت ۳۰: در گروه‌های کلاسی راجع به نقش هوش در یادگیری و حل مسائل روزانه خود گفت‌وگو کنید.

گفت‌وگو کنید



هوش ارزنده‌ترین نیروی روانی انسان و قابلیت کمی نظیر است که موجب اعتبار زیاد انسان در مقایسه با دیگر موجودات زنده است.

تعریف هوش: از هوش تعاریف گوناگونی شده است. در یکی از کامل‌ترین آنها، هوش را میزان درستی و توانمندی ادراک شخص از محیط تعریف کرده‌اند. در سال‌های اخیر نوع دیگری از هوش به نام هوش عاطفی یا هوش هیجانی^۲ مورد توجه روان‌شناسان قرار گرفته است.

هوش هیجانی عبارت است از «آگاهی فرد نسبت به عواطف خود، مدیریت عواطف خود، برانگیختن خود، شناسایی عواطف دیگران و تنظیم روابط با دیگران»^۳. بنابراین هوش هیجانی توانایی شناخت و درک عواطف خود و دیگران، ابراز وجود و بیان درست آنها و کنترل و تنظیم آنهاست.

بررسی‌های روان‌شناختی نشان داده است که هوش ذهنی و هیجانی در تضاد با یکدیگر قرار ندارند و کاربرد درست آنها به سلامت جسمی و روانی فرد کمک می‌کند. برخی روان‌شناسان معتقدند هوش عاطفی

۱- Intelligence(IQ)

۲- Emotional Intelligence(EQ)

۳- این تعریف از کتاب دانیل گلمن (Daniel Golman) به نام هوش هیجانی گرفته شده است.



از بخش‌های عزت نفس، خودآگاهی عاطفی، جرئت‌ورزی، تحمل استرس، کنترل تکانه، واقعیت‌آزمایی، انعطاف‌پذیری، حل مسئله، همدلی و روابط بین فردی تشکیل شده است.^۱ هوش ذهنی از توانمندی‌های گوناگونی مانند حافظه، ادراک، استدلال، مهارت‌های کلامی، توان عددی،... تشکیل شده است.

فعالیت ۳۱: در گروه‌های کلاسی راجع به نقش هوش ذهنی و هوش عاطفی در موفقیت و سلامت روانی فرد از منابع علمی جست‌وجو کنید و نتیجه را در کلاس به صورت بروشور ارائه دهید.

هدف توانمندسازی ۱۳-۱: فهرستی از عوامل مؤثر بر هوش را تهیه کند.

عوامل مؤثر بر هوش

در میزان هوش فرد (ذهنی و هیجانی) دو دسته از عوامل (ارثی و محیطی) تأثیر دارند:

۱- عوامل ارثی

همان‌طور که در قسمت شخصیت گفته شد، منظور از عوامل ارثی، ویژگی‌هایی مانند ساختمان مغز، دستگاه عصبی و حواس است، که از طریق ژن‌ها از والدین به فرزندان منتقل می‌شود. وزن و اندازه مغز در هنگام تولد، میزان چین خوردگی‌های سطح مغز، میزان نرمی و انعطاف‌پذیری مغز و چگونگی رشد مغز، در این دسته از عوامل قرار می‌گیرند.

۲- عوامل محیطی

روان‌شناسان به تأثیر عوامل محیطی در رشد مغز توجه خاصی دارند. منظور از محیط شامل محیط قبل از تولد (دوران بارداری مادر)، هنگام تولد و بعد از تولد است. **قبل از تولد:** در محیط قبل از تولد عواملی مانند ضربه و آسیب‌های فیزیکی به جنین، کمبود تغذیه‌ای مادر، مصرف داروها، کشیدن سیگار، رادیولوژی و سونوگرافی و هیجان‌های مادر مانند ترس و اضطراب بر میزان هوش کودک تأثیرگذار است. **هنگام تولد:** چگونگی تولد، اثر مهمی بر سلامت عمومی و عصبی کودک دارد. عواملی مانند نوع تولد (طبیعی، سزارین)، نرسیدن اکسیژن لازم به جنین، پاره‌شدن رگ‌های مغز، زایمان‌های زودرس و زایمان‌های دیررس بر میزان هوش کودک تأثیرات سوء دارد. **محیط پس از تولد:** این محیط بیشترین تأثیر را در توان هوشی کودک دارد و شامل عوامل متعددی از جمله تعلیم و تربیت خانواده، آب و هوا، تغذیه، وضع اقتصادی و اجتماعی، دین و فرهنگ جامعه، آداب و رسوم، مؤسسات آموزشی، رسانه‌های گروهی،... است.

کودکی که با استفاده از امکانات محیطی، بیشترین بهره را از زمینه ارثی خود می‌برد، موفق‌تر از کودک دیگری است که دچار محرومیت‌های محیطی و آموزشی شده است.

نکته



هر نوع استعدادی در محیط‌های مناسب‌تر، پیشرفت بیشتری به دست می‌آورد.

تمرین کنید



فعالیت ۳۲: جدول زیر را با توجه به عوامل مؤثر بر هوش تکمیل کنید.

عوامل محیطی	عوامل ارثی

گزارش تهیه کنید



فعالیت ۳۳: با مطالعه در تاریخچه زندگی یکی از نوابغ، عوامل مؤثر بر هوش این افراد را بررسی کنید و گزارش آن را در کلاس ارائه دهید.

نکته



امروزه اغلب متخصصان بر این نکته توافق دارند که محیط و وراثت در همکاری و ارتباط متقابل، نقش مهمی در رشد هوش دارند. بنابراین غنی‌سازی محیط کودکان با بهره‌گیری از توانمندی‌های ارثی‌شان می‌تواند استعدادهای هوشی آنها را شکوفا کند و پرورش دهد و موجب پیشرفت تحصیلی و موفقیت‌های فردی آنان شود.

هدف توانمندسازی ۱۴-۱: ویژگی‌های گروه‌های هوشی را با هم مقایسه کند.

ویژگی‌های گروه‌های هوشی

گفت‌وگو کنید



فعالیت ۳۴: در گروه‌های کلاسی:

(الف) در مورد دلایل تفاوت عملکرد هنرجویان در درس‌های مختلف گفت‌وگو کنید.
(ب) بر اساس پاسخ‌های خود، در مورد ویژگی‌های هوشی افراد گفت‌وگو کنید.

تفاوت استعدادهای ذهنی انسان‌ها بسیار زیاد است. برخی می‌توانند اجزای یک ساعت شکسته را جدا کنند و آنها را دوباره طوری پهلوی یکدیگر قرار دهند که بهتر از اول کار کند. برخی دیگر به دشواری می‌توانند یک ساعت را جمع کنند اما می‌توانند طوری آن را نقاشی کنند که طبیعی‌تر از ساعت دست شما به نظر برسد. روان‌شناسان افراد را از نظر هوش ذهنی به سه دسته کلی تقسیم می‌کنند:

۱ گروه تیزهوش؛

۲ گروه بهنجار؛

۳ گروه کم‌توان ذهنی.

۱- گروه تیزهوش

شامل کودکانی است که به تشخیص متخصصان روان‌شناسی، توانایی‌های برجسته‌ای دارند و قادرند امور خود را در سطح عالی انجام دهند.

برخی از این ویژگی‌های کودکان تیزهوش به شرح زیر است:

الف) ویژگی‌های شناختی

- حافظه قوی؛
- تعمیم‌پذیری مفاهیم در سطح بالا؛
- قدرت فوق‌العاده پردازش اطلاعات؛
- ارزیابی خود و دیگران؛
- تنوع در علایق و کنجکاوی زیاد؛
- رشد زبانی و کلامی در سطحی بالا؛
- راحتی در یادگیری سریع اطلاعات تازه.

ب) ویژگی‌های عاطفی

- حساسیت به هیجان‌های دیگران؛
- شوخ‌طبعی تیزهوشانه؛
- آرمان‌گرایی و عدالت‌دوستی؛
- قضاوت اخلاقی در سطحی عالی؛
- رشد کنترل درونی.

ج) ویژگی‌های اجتماعی

- داشتن انگیزه خودشکوفایی
- داشتن ظرفیت اجتماعی و عاطفی برای درک مسائل اجتماعی و ارائه راه‌حل.

فعالیت ۳۵: با مطالعه اطرافیان تیزهوش خود، گزارشی از ویژگی‌های رفتاری و موفقیت‌های آنها تهیه کنید و در کلاس ارائه دهید.

گزارش
تهیه کنید





فعالیت ۳۶: با جست‌وجو در منابع علمی، فهرستی از افراد تیزهوش را که برای ایران افتخارات علمی، تحقیقی و ... کسب کرده‌اند جمع‌آوری کنید. با مطالعه تاریخچه زندگی فردی و علمی و اجتماعی دو فرد از این گروه، ویژگی‌های آنها را بررسی کنید و گزارش آن را در کلاس ارائه دهید.

۲- گروه بهنجار

اکثر افراد هر جامعه را گروه بهنجار تشکیل می‌دهند. هوش بهر این گروه بین ۹۰-۱۰۹ مشخص گردیده است. بیشتر فعالیت‌های عادی جامعه بر دوش این گروه است. بسیاری از آنها تحصیلات دبیرستانی را به اتمام می‌رسانند و شمار کمی از آنها به دانشگاه راه می‌یابند.



کودکان دیرآموز: این گروه بین گروه بهنجار و کم‌توان ذهنی قرار دارد. بهره هوشی آنها بین ۹۰-۷۱ است. از نظر تحصیلی و یادگیری مطالب ضعیف‌اند. ویژگی بارز این گروه این است که دیر می‌آموزند و زود فراموش می‌کنند. بیشتر آنها به فعالیت‌های غیرحرفه‌ای اشتغال دارند.

۳- کم‌توان ذهنی

این گروه از کودکان از نظر سرعت عملکرد و توانایی ذهنی، نسبت به گروه سنی خود ضعیف‌تر عمل می‌کنند. کم‌توانی ذهنی وضعیت و حالت ذهنی خاصی است که در اثر شرایط مختلف قبل از تولد یا هنگام تولد یا بعد از تولد ایجاد می‌شود. کم‌توان ذهنی مانند دست و پایی است که خوب کار نمی‌کند. روان‌شناسان، افرادی را جزء این گروه طبقه‌بندی می‌کنند که ضریب هوشی کمتر از ۷۰ داشته باشند. در جدیدترین راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی، واژه عقب‌ماندگی ذهنی به کم‌توان ذهنی یا ناتوانی ذهنی تغییر نام داده شده است. ویژگی اصلی ناتوانی ذهنی وجود نقص‌هایی در توانایی‌های شناختی (مثلاً حل مسئله، برنامه‌ریزی، استدلال و قضاوت) و عملکرد سازگارانه است. معیارهای تشخیصی هم بر اهمیت توانایی‌های شناختی و هم بر عملکرد شناختی تأکید دارد.



همهٔ مریبان قبول دارند که کودکان، چه کم‌توان ذهنی و چه تیزهوش، باید متناسب با توانایی‌های خود آموزش ببینند.

افراد کم‌توان ذهنی براساس شدت ناتوانی آنها در زمینهٔ فعالیت‌های اجتماعی و عملی به سه گروه زیر تقسیم می‌شوند:

۱ کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر: بهره هوشی این گروه ۷۰-۵۵ است و نمی‌توانند از برنامه‌های آموزشی کلاس‌های معمولی بهره لازم ببرند. آنها حداقلی از اطلاعات عمومی، خواندن، نوشتن، حساب کردن و مهارت‌های شغلی را یاد می‌گیرند. با مشاوره می‌توانند در ادارهٔ زندگی خود به خودکفایی اقتصادی و اجتماعی برسند.

۲ کم‌توان ذهنی تربیت‌پذیر: این گروه با داشتن بهره هوشی ۵۵-۴۰ بیشتر در مؤسسات و مراکز غیرآموزشی نگهداری می‌شوند. این گروه به دلیل داشتن مشخصات بدنی از همان دوران نوزادی شناسایی

می‌شوند و در کسب مهارت‌های کلامی و بدنی بسیار ضعیف‌اند. این گروه توان اداره زندگی مستقل ندارند و فاقد خودکفایی اقتصادی و اجتماعی لازم هستند.

۲ کم توان ذهنی حمایت پذیر: این گروه به علت عقب‌ماندگی شدید ذهنی و بدنی قادر به یادگیری در امور مربوط به خود نیستند و نمی‌توانند با محیط انطباق و سازگاری داشته باشند. همچنین توان خودکفایی در امور اقتصادی و اجتماعی را ندارند. آنها به علت بهره هوشی پایین (زیر ۴۰) نیاز شدید به حمایت دارند و بدون کمک دیگران قادر به ادامه زندگی نیستند.

تمرین کنید



فعالیت ۳۷: ویژگی‌های گروه‌های مختلف کم‌توان ذهنی را با هم مقایسه کنید.

تمرین کنید



فعالیت ۳۸: اگر در اطرافیان خود یک نفر کم‌توان ذهنی می‌شناسید:

- ویژگی رفتاری او را بررسی و فهرست کنید.
- فهرست خود را با ویژگی‌های گروه‌های کم‌توان ذهنی مقایسه کنید.
- گروه او را مشخص کنید.

آموزش فراگیر^۲

آموزش فراگیر به عنوان فرایندی تعریف می‌شود که در آن دانش‌آموزان از هر سن و جنس با هر توانایی و محدودیتی که دارند، بدون توجه به زبان، مذهب، پیشینه اجتماعی، یا بیماری‌های خاص، در مدارس پذیرفته می‌شوند. یعنی براساس این برنامه، جامعه‌ای آزاد از نظر آموزشی در مدارس تشکیل می‌شود.



شکل ۸- آموزش فراگیر

در آموزش تلفیقی دانش‌آموز استثنایی در مدارس عادی با همکاری معلم‌های رابط، که از سوی کارشناسان آموزش و پرورش استثنایی تعیین می‌شوند، به تحصیل می‌پردازند.

دانش‌آموزی که برای آموزش تلفیقی در نظر گرفته می‌شود، فردی است که محدودیت‌های جسمانی یا ذهنی یا هر دو را دارد، اما درجه معلولیت او در حد خفیف است، بنابراین می‌تواند با استفاده از وسایل کمک آموزشی و توان‌بخشی و با راهنمایی معلم رابط در مدارس عادی تحصیل کند (شکل ۸).

۱- کانا یا کم‌هوش‌ترین ناتوانان ذهنی

۲- برای اطلاع بیشتر به کتاب پرورش مهارت‌های اجتماعی - عاطفی کودک پایه ۱۲ مراجعه کنید.



فعالیت ۳۹: در مورد ضرب‌المثل «هر کسی را بهر کاری ساختند» گفت‌وگو کنید و در مورد منظور اصلی آن با سایر گروه‌های کلاسی گفت‌وگو کنید.

از بین نظریه‌های مختلف هوش، نظریه هوش چندگانه «هاوارد گاردنر»^۱ (۱۹۹۳)، حائز اهمیت است. به عقیده گاردنر همه انسان‌ها دارای انواع مختلفی از هوش هستند. طبق نظریه او، برای به دست آوردن تمام قابلیت‌ها و استعدادها یک فرد، نباید تنها به بررسی ضریب هوشی پرداخت بلکه انواع هوش‌های دیگر او مثل هوش کلامی، هوش منطقی - ریاضی، هوش فضایی، هوش بدنی - حرکتی، هوش موسیقایی، هوش میان فردی، هوش درون فردی، و هوش طبیعت‌گرانه نیز باید در نظر گرفته شود (شکل ۹).



شکل ۹- هوش چندگانه گاردنر

هوش کلامی^۲: این نوع هوش یعنی توانایی استفاده از کلمات و زبان که یادگیرنده‌های آن مهارت‌های شنیداری تکامل یافته‌ای دارند و معمولاً سخنوران برجسته‌ای هستند. آنها به جای تصاویر، با کلمات فکر می‌کنند. مهارت‌های آنها عبارت‌اند از: گوش دادن، حرف زدن، قصه‌گویی، توضیح دادن، تدریس، استفاده از طنز، یادآوری اطلاعات و تحلیل کاربرد زبان.

شغل‌های مناسب برای آنها عبارت‌اند از: مبلغ دینی، شاعر، روزنامه‌نگار، نویسنده، معلم، وکیل، سیاستمدار، مترجم

۱- Howard Gardner

۲- Verbal - Linguistic Intelligence

هوش منطقی - ریاضی^۱: این نوع هوش توانایی استفاده از استدلال، منطق و اعداد است که یادگیرنده‌های آن به صورت مفهومی با استفاده از الگوهای عددی و منطقی فکر می‌کنند و از این طریق بین اطلاعات مختلف رابطه برقرار می‌کنند. آنها همواره در مورد دنیای اطرافشان کنجکاو هستند، سؤال‌های زیادی می‌پرسند و دوست دارند آزمایش کنند.

مهارت‌های آنها عبارت‌اند از: مسئله حل کردن، تقسیم‌بندی و طبقه‌بندی اطلاعات، کار کردن با مفاهیم انتزاعی برای درک رابطه‌شان با یکدیگر، به کار بردن زنجیره طولانی از استدلال‌ها برای پیشرفت، انجام آزمایش‌های کنترل شده، سؤال و کنجکاوی در پدیده‌های طبیعی، انجام محاسبات پیچیده ریاضی، کار کردن با شکل‌های هندسی. شغل‌های مناسب برای آنها عبارت‌اند از: دانشمند، مهندس، برنامه‌نویس کامپیوتر، پژوهشگر، حسابدار، ریاضی‌دان.

هوش تصویری - فضایی^۲: این نوع هوش یعنی توانایی قدرت تشخیص تصویری و فضایی، که یادگیرنده‌های آن گرایش دارند با تصاویر فکر کنند. آنان برای به دست آوردن اطلاعات، نیاز دارند یک تصویر ذهنی واضح ایجاد کنند و آنها از نگاه کردن به نقشه‌ها، نمودارها، تصاویر، ویدئو و فیلم خوششان می‌آید. مهارت‌های آنها عبارت‌اند از: ساختن پازل، خواندن، نوشتن، درک نمودارها و شکل‌ها، حس جهت‌شناسی خوب، طراحی، نقاشی، ساختن استعاره‌ها و تمثیل‌های تصویری (احتمالاً از طریق هنرهای تجسمی)، دستکاری کردن تصاویر، ساختن، تعمیر کردن و طراحی وسایل عملی، تفسیر تصاویر دیداری. شغل‌های مناسب برای آنها عبارت‌اند از: دریاورد، مجسمه‌ساز، هنرمند تجسمی، مخترع، کاشف، معمار، طراح داخلی، مکانیک، مهندس.

هوش بدنی - حرکتی^۳: این نوع هوش یعنی توانایی کنترل ماهرانه حرکات بدن، که یادگیرنده‌های آن خودشان را از طریق حرکت بیان می‌کنند. آنها درک خوبی از حس تعادل و هماهنگی دست و چشم دارند (به عنوان مثال در بازی با توپ، یا استفاده از تیرهای تعادل مهارت دارند) آنها از طریق تعامل با فضای اطرافشان قادر به یادآوری و فراوری اطلاعات هستند.

مهارت‌های آنها عبارت‌اند از: هماهنگی بدنی، ورزش، استفاده از زبان بدن، صنایع دستی، هنرپیشگی، تقلید حرکات، استفاده از دست‌هایشان برای ساختن یا خلق کردن، ابراز احساسات از طریق بدن و حرکات موزون. شغل‌های مناسب برای آنها عبارت‌اند از: ورزشکار، معلم تربیت بدنی، هنرپیشه، آتش‌نشان، صنعتگر.

هوش موسیقایی^۴: این نوع هوش یعنی توانایی تولید و درک موسیقی که یادگیرنده‌های آن متمایل به موسیقی با استفاده از صداها، ریتم‌ها و الگوهای موسیقی هستند. آنها بلافاصله چه با تعریف و چه با انتقاد، به موسیقی عکس‌العمل نشان می‌دهند. خیلی از این یادگیرنده‌ها بسیار به صداها محیطی (مانند صدای زنگ، صدای جیرجیرک و چکه کردن شیرهای آب) حساس هستند.

مهارت‌های آنها عبارت‌اند از: آواز خواندن، سوت زدن، نواختن آلات موسیقی، تشخیص الگوهای آهنگین، آهنگ‌سازی، به یاد آوردن ملودی‌ها، درک ساختار و ریتم موسیقی. شغل‌های مناسب برای آنها عبارت‌اند از: موسیقی‌دان، خواننده، آهنگساز.

۱- Logical - Mathematical Intelligence

۲- Visual - Spatial Intelligence

۳- Bodily - Kinesthetic Intelligence

۴- Musical Intelligence

هوش درون فردی^۱: این نوع هوش یعنی توانایی درک خود و آگاه‌بودن از حالت درونی خود که یادگیرنده‌های آن سعی می‌کنند احساسات درونی، رؤیاهای، روابط با دیگران و نقاط ضعف و قوت خود را درک کنند. مهارت‌های آنها عبارت‌اند از: تشخیص نقاط ضعف و قوت خود، درک و بررسی خود، آگاهی از احساسات درونی، تمایلات و رؤیاهای، ارزیابی الگوهای فکری خود، باخود استدلال و فکرکردن، درک نقش خود در روابط با دیگران.

شغل‌های مناسب برای آنها عبارت‌اند از: پژوهشگر، نظریه‌پرداز، فیلسوف.

هوش میان فردی^۲: این نوع هوش یعنی توانایی ارتباط برقرارکردن و فهم دیگران که یادگیرنده‌های آن سعی می‌کنند چیزها را از نقطه‌نظر آدم‌های دیگر ببینند تا بفهمند آنها چگونه می‌اندیشند و احساس می‌کنند. آنها معمولاً توانایی خارق‌العاده‌ای در درک احساسات، مقاصد و انگیزه‌ها دارند. آنها سازمان‌دهنده‌های خیلی خوبی هستند و معمولاً سعی می‌کنند که در گروه آرامش را برقرار کنند و همکاری را تشویق کنند. آنها هم از مهارت‌های کلامی (مانند حرف‌زدن) و هم مهارت‌های غیرکلامی (مانند تماس چشمی، زبان بدن) استفاده می‌کنند تا با دیگران ارتباط برقرار کنند.

مهارت‌های آنها عبارت‌اند از: دیدن مسائل از نقطه‌نظر دیگران، گوش کردن، همدلی، درک احساسات دیگران، مشورت و همکاری با گروه، توجه به خلق‌وخو، انگیزه‌ها و نیت‌های افراد، رابطه برقرارکردن چه از طریق کلامی چه غیرکلامی، اعتمادسازی، حل و فصل آرام درگیری‌ها، برقراری روابط مثبت با دیگر مردم.

شغل‌های مناسب برای آنها عبارت‌اند از: مشاور، فروشنده، سیاستمدار، تاجر.

هوش طبیعت‌گرا^۳: این هوش آخرین نوع هوشی است که گاردنر در نظریه خود به هفت نوع قبلی افزوده است. کسانی که دارای هوش طبیعت‌گرا هستند، با طبیعت سازگاری بیشتری دارند و معمولاً به کشف محیط، یادگیری درباره موجودات و یافتن الگوها و روابط از طبیعت علاقه‌مندند. این افراد به سرعت از جزئی‌ترین تغییرات در محیطشان آگاه می‌شوند.

مهارت‌های آنها عبارت‌اند از: علاقه‌مند به موضوعاتی از قبیل گیاه‌شناسی، زیست‌شناسی و جانورشناسی، مهارت در رده‌بندی و فهرست‌بندی اطلاعات، لذت‌بردن از باغبانی، کشف طبیعت، پیاده‌روی و چادرزدن در طبیعت، زیست‌شناس.

شغل‌های مناسب برای آنها عبارت‌اند از: حفاظت از محیط‌زیست، باغبان و مزرعه‌دار.

۱- Intrapersonal Intelligence

۲- Interpersonal Intelligence

۳- Naturalistics Intelligence

راهبردهای کلی آموزشی مربوط به تقویت ۸ نوع هوش گاردنر در جدول زیر آمده است:

جدول ۲- راهبردهای کلی آموزشی مربوط به تقویت هشت هوش گاردنر
(به نقل از سانتراک ۲۰۰۱ ص ۱۸۷)

نوع هوش	راهبردهای آموزشی
مهارت‌های کلامی	- برای کودکان کتاب بخوانید و از آنها بخواهید برای شما کتاب بخوانند و خلاصه کنند. - با کودکان و هنرجویان از کتابخانه و کتاب‌فروشی‌ها بازدید کرده و از آنها بخواهید نشریات علمی را نگهداری کنند. - در رابطه با نویسندگان کتاب‌ها با هنرجویان گفت‌وگو کنید.
مهارت‌های ریاضی	- بازی‌های فکری و فعالیت‌های ریاضی ترتیب دهید. - با هنرجویان اردوهای کوتاه برای بازدید از آزمایشگاه‌های کامپیوتری و نمایشگاه‌های الکترونیکی ترتیب دهید.
مهارت‌های تصویری - فضایی	- وسایل خلاقانه را برای استفاده کودکان و هنرجویان فراهم کنید. - نمایشگاه‌های هنری از آثار دستی کودکان و هنرجویان ترتیب دهید. - از کودکان و هنرجویان بخواهید براساس تصورات و تجربیات گذشته، تصویر و نقشه بکشند.
مهارت‌های بدنی - حرکتی	- فرصت‌هایی برای فعالیت‌های نرمشی، ورزشی و بازی ترتیب داده و آنها را به مسابقات ورزشی ببرید.
مهارت‌های موسیقیایی	- فرصت‌هایی برای استفاده کودکان و هنرجویان از آلات موسیقی فراهم کرده و آنها را به شعرخوانی تشویق کنید.
مهارت‌های میان فردی	- به احساسات کودکان گوش دهید و با حساسیت به آنها بازخورد دهید.
مهارت‌های درون فردی	- کودکان و هنرجویان را تشویق کرده تا سرگرمی‌ها و علایقی برای خود داشته باشند. - آنها را به خاطر تصویرسازی ذهنی تشویق کرده و بخواهید نظرات و تجاربشان را مکتوب کنند.
مهارت‌های طبیعت‌گرایانه	- هنرجویان را به موزه آثار طبیعی برده و در کلاس نیز یک هسته طبیعت‌گرایانه یادگیری ایجاد کنند. - فعالیت‌های اردویی - صحرایی مانند پیاده‌روی در طبیعت و یا پرورش کاشت یک درخت را ترتیب دهید. - از آنها بخواهید تا مجموعه‌ای از گیاهان و حیوانات منطقه خودشان را تهیه و طبقه‌بندی کنند.

تمرین کنید



فعالیت ۴۰:

۱ جدول زیر را با توجه به ویژگی هوش‌های گاردنر کامل کنید.

ویژگی‌ها	هوش
	هوش کلامی
	هوش تصویری - فضایی
	هوش منطقی - ریاضی
	هوش بدنی - حرکتی
	هوش موسیقایی
	هوش درون فردی
	هوش میان فردی
	هوش طبیعت‌گرا

۲ در گروه‌های کلاسی، هوش‌های چندگانه یکدیگر را مشخص کنید.

تمرین کنید



فعالیت ۴۱: خلاصه‌ای از آنچه در مورد کاربرد روان‌شناسی در آموزش و پرورش کودک در این پودمان یاد گرفته‌اید به شکلی خلاقانه (نموداری، گزارشی، نمایشی، تصویری، ...) یادداشت کنید.

تمرین کنید

- ۱ رشته‌های روان‌شناسی را با هم مقایسه کنید.
- ۲ فهرستی از اهداف روان‌شناسی کودک تهیه کنید.
- ۳ با توجه به نظریه‌های یادگیری، چند روش کاربردی برای تدریس مطالب به کودکان تهیه کنید.
- ۴ تأثیر انگیزه و هیجان را در بروز رفتارهای کودکان بررسی کنید.
- ۵ فهرستی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری شخصیت را تهیه کنید.
- ۶ فهرستی از عوامل مؤثر بر هوش کودکان را تهیه کنید.
- ۷ انواع ویژگی گروه‌های هوشی کودکان را با هم مقایسه کنید.
- ۸ ویژگی انواع کم‌توان‌های ذهنی را بررسی کنید.
- ۹ فعالیت‌هایی برای پرورش هوش چندگانه کودکان طراحی کنید.

خودارزیابی پایانی پودمان ۱			
واحدیادگیری: کاربرد روان‌شناسی در آموزش و پرورش کودک			
این کاربرگ برای ارزیابی دانش و مهارت شما در زمینه کاربرد روان‌شناسی در آموزش و پرورش کودک تهیه شده است. در هر سؤال بیشترین امتیاز سه و کمترین امتیاز یک است. بر این اساس خود را ارزیابی کنید و به خود امتیاز دهید.			
ردیف	موارد		
۱	۲	۳	
۱			تا چه حد می‌توانید تعریفی از روان‌شناسی و موضوع آن ارائه دهید؟
۲			تا چه حد می‌توانید فهرستی از اهداف روان‌شناسی کودک را بنویسید؟
۳			تا چه حد می‌توانید نقش انگیزه و هیجان را در رفتار کودکان بررسی کنید؟
۴			تا چه حد می‌توانید فهرستی از عوامل مؤثر در شخصیت را تهیه کنید؟
۵			تا چه حد می‌توانید انواع هوش را بررسی کنید؟
۶			تا چه حد می‌توانید ویژگی انواع گروه‌های هوشی را با هم مقایسه کنید؟

ارزشیابی پودمان ۱

نمره	استاندارد (شاخص‌ها، داوری، نمره‌دهی)	نتایج	استاندارد عملکرد (کیفیت)	تکالیف عملکردی (شایستگی‌ها)	عنوان پودمان ۱
۳	<ul style="list-style-type: none"> - به‌کارگیری اهداف روان‌شناسی کودک در آموزش کودک - تحلیل رفتار کودک با استفاده از ویژگی‌های رفتار کودک با روش‌های خلاق - مقایسه نظریه‌های یادگیری کودکان - طبقه‌بندی هوش کودکان با استفاده از ویژگی‌ها برای آموزش 	بالاتر از حد انتظار	کاربرد روان‌شناسی در آموزش و پرورش کودک براساس منابع معتبر علمی و آموزشی سازمان بهزیستی و آموزش و پرورش پیش از دبستان	تحلیل روان‌شناسی کودک	کاربرد روان‌شناسی در آموزش و پرورش کودک
۲	<ul style="list-style-type: none"> - به‌کارگیری اهداف روان‌شناسی کودک در آموزش کودک - تحلیل رفتار کودک - طبقه‌بندی هوش کودکان با استفاده از ویژگی‌ها برای آموزش 	در حد انتظار		تحلیل رفتار کودک	
۱	توانایی انجام دادن یکی از شایستگی‌ها	پایین‌تر از انتظار			
نمره مستمر از ۵					
نمره شایستگی پودمان از ۳					
نمره پودمان از ۲۰					